

شیخ ساده‌سازان



زهرا طیبی خبرنگارگروه نقد روز

برای تیم دیپلماسی که تماس تلفنی با اواما و قدم زدن با وزیرخارجه آمریکا در خیابان‌های نیویورک رادستاورد سیاست خارجی خود می دانست، چندان تعجب برانگیز نیست اگر الان هم عدم اقبال برای خارج کردن برجام ازین بست رافراهم نشدن امکان دیدار مستقیم با ترامپ بداند. این روزها و در حالی که سیاست خارجی ایران با برنامه ریزی متفاوتی از دولت‌های یازدهم و دوازدهم در حال پیشروی است، تلاش‌های زیادی از جانب تیم سابق سیاست خارجی ایران می‌شود تا این روایت را از ماجرا ارائه بدهند که دلیل عدم اقبال ایران و محقق نشدن آنچه از سیاست خارجی مورد انتظار دولت بود، به خاطر آغاز ریاست جمهوری ترامپ بود و درغیراین صورت اقبال بیشتری نصیب ایران می‌شد؛ فارغ از صحت و سقم این ادعا اما می‌توان گفت در نگاه تیم دولت سابق، تقلیل معادلات پیچیده سیاست خارجی کشورها به اشخاص بدون در نظرگرفتن سیاست‌های کلان هرکشور احساس می‌شود. سایت مستوب به حسن روحانی، اخیرا روایت‌هایی با عنوان دیداری که رخ نداد از ماجرای دیدار حسن روحانی و ترامپ منتشر کرده که به همین بهانه، به باز خوانی آن روزها و وقایع پرداخته‌ام.

مذاکره مستقیم با ترامپ؛ تصمیمی که هیچ‌کس آن را عاقلانه نمی‌دانست

«روند مذاکرات ایران و آمریکا داشت پیش می‌رفت، آمریکا خودش آن را تخریب کرده و پل را خراب کرده است، خودشان پل را خراب کرده و آن طرف ایستاده و داد می‌زنند»، «مذاکره همزمان با تحریم معنایی ندارد.» این بخشی از صحبت‌های حسن روحانی در مرداد ۹۷ و چند ماهی بعد از خروج ترامپ از برجام است. برخلاف تصور و پیش‌بینی تیم دیپلماسی دولت دوازدهم، اما ترامپ از برجام خارج شد، اگرچه پیش از آن نیز عواید قابل توجهی در امضای برجام نصیب ایران نشد و بندهای توافق توسط آمریکا‌ها اجرا نمی‌شد اما خروج ترامپ از برجام با بازگرداندن تحریم‌های ثانویه و ایجاد کمپین فشار حداکثری همراه شد. ترامپ با این تصور از برجام خارج شد که با اعمال فشارهای گسترده ایران راوادار کند پای میز توافقی همه‌جانبه بنشینند و برد بیشتری نصیب آمریکا‌یی‌ها شود. در ایران اما نگاه مثبتی نسبت به مذاکره با فردی که خود از یک توافق امضاشده خارج شده است، وجود نداشت. این امر حتی از جانب مسئولان در دولت نیز در آن برهه مورد پذیرش قرار نداشت. خرداد ماه ۹۷ بود که خیر درخواست برخی از اصلاح‌طلبان تندرو و چپه‌های اپوزیسیون، در قالب نامه‌ای برای مذاکره مستقیم با آمریکا، واکنش‌های زیادی به همراه داشت. در این نامه علاوه بر درخواست مذاکره مستقیم ایران با آمریکا به این نکته اشاره شده بود که برای چگونگی انجام این اقدام، ایران از الگوی گفت‌وگوی آمریکا با کره‌شمالی بهره بگیرد. محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت درباره درخواست مذاکره مستقیم با آمریکا گفت: «عقل سیاسی هم در این زمینه کامل نیست که چنین توصیه‌ای کنیم. الان سوال اینجاست، با چه کسی قرار است مذاکره کنیم، با فردی که ثبات فکری و سیاسی ندارد؟» علی صوفی، وزیر تعاون دولت اصلاحات هم گفت: «معنای نگارش این نامه در شرایطی که آمریکا روزبه‌روز به تحریم‌های خود علیه ایران می‌افزاید، تسلیم شدن و بالاپردن دست‌ها در برابر آمریکا است.»محمد هاشمی، عضو سابق حزب کارگزاران هم معتقد بود مذاکره الان با آمریکا به صلاح نیست و تصریح کرد: «هر مذاکره شرایطی دارد که اگر شرایط مطلوب باشد، مذاکره به خوبی پیش می‌رود، در غیر این صورت مذاکره بی‌معناست؛ در اصل شرایط مطلوب یک مذاکره، پایبندی دو طرف به توافق است.» محمد خاتمی، رئیس‌جمهور دولت اصلاحات هم مذاکره مستقیم را خلاف منافع ملی دانست و گفت: «در شرایطی که این افراد با ادبیات کاملا خصمانه و موهن، علیه کشور تهدید و توهین می‌کنند، پیشنهاد مذاکرات بی‌فید و شرط با آمریکا، نقض کرامت ایران است.» با در نظرگرفتن خروج ترامپ و اعمال تحریم‌های تازه این گزاره از جانب سیاستمداران و تحلیلگران مطرح می‌شد که مذاکره مستقیم با آمریکا ایران را در موضع ضعف قرار خواهد داد و طبعاً نتیجه‌ای نیز به همراه نخواهد داشت. اخیرا سایت حسن روحانی روایتی از احتمال مذاکره مستقیم روحانی با ترامپ منتشر کرده و در آن به این موضوع اشاره کرده است که روحانی ترسی از تبعات داخلی مذاکره با ترامپ نداشته و حاضر بوده هزینه آن را بپذیرد. فارغ از اینکه این اقدام اساسا نتیجه‌ای نیز به همراه داشته است یا نه، اما بدبینی نسبت به مذاکرات مجدد با آمریکا امری نبود که بر مبنای سلاقی سیاسی مطرح بشود، چراکه حتی شخصیت‌های نزدیک به دولت نیز نسبت به مذاکره با ترامپ هشدار می‌دادند و این سوال نیز مطرح بود که آیا قرار است از نشست ایران پای میز مذاکره با ترامپ چیزی نصیب ایران شود و اگر توافقی شکل بگیرد، آمریکا به آن پایبند خواهد بود؟ سایت مستوب به حسن روحانی، البته در حالی ادعا

می‌کند که روحانی حاضر به قربانی شدن و پذیرش تبعات داخلی تصمیم خود بود، که اساسا مشخص نیست دیدار مستقیم با ترامپ قرار بود کدام‌یک از مواضع موجود در تحریم را برطرف کند و اگر این دیدار اتفاق می‌افتاد و خروچی نداشت، می‌توان

گفت این بار منافع ملی بود که بر مبنای محاسبه غلط دولت، قربانی می‌شد و از طرفی نیز این موضوع مورد توجه قرار داشت که تحریم‌های آمریکا و مساله رفع و لغو آنها موضوعی بود که تنها اختصاص به دوران ریاست جمهوری ترامپ نداشت و در دوران ریاست جمهوری اواما نیز تحریم‌هایی علیه ایران اعمال شد؛ حال تصور اینکه گفت‌وگو با رئیس‌جمهور وقت، می‌توانست تاثیر قابل توجهی بر تغییر سیاست‌های آمریکا بگذارد، امری بود که می‌توان آن را ناشی از ساده‌انگاری سیاست‌های آمریکا درباره ایران دانست.

نشست بیاریتز؛ سورپرایز مکرون یا بهانه‌ای برای دیدار با ترامپ؟

حضور ظریف در حاشیه اجلاس هفت کشور صنعتی جهان موضوع دیگری بود که سایت منسوب به حسن روحانی به آن اشاره کرده است و آن را «سورپرایز بیاریتز» دانسته است. ظریف اگرچه در سفری برنامه‌ریزی نشده به فرانسه رفت تا در حاشیه این اجلاس با مکرون گفت‌وگو کند، اما محور گفت‌وگوها درباره طرحی بود که مکرون روی میز گذاشته بود و قرار بود این گفت‌وگوها با حضور وزیرخارجه و دارایی فرانسه دنبال شود. درباره حضور در این نشست، روایت‌های متفاوتی وجود دارد، در حالی که گفته می‌شود حضور وزیر خارجه ایران، از پیش اعلام نشده بود اما گفته می‌شود مکرون روز قبل از برگزاری نشست، خبر داده بود که قرار است ظریف در حاشیه این اجلاس حضور پیدا کند. سران جی ۷ اما به نحوی سعی کردند حضور ظریف در حاشیه این اجلاس را امری بدانند که خواسته مکرون رئیس‌جمهور فرانسه بوده تا درخواست شش کشور دیگر، آنگلا مرکل، صدراعظم وقت آلمان در همین رابطه گفت: «گفت‌وگوهای وزیر خارجه فرانسه با همتای ایرانی‌اش، رویدادی موازی بوده و از سوی گروه هفت صورت نگرفته است.» مکرون خود نیز به این موضوع اشاره کرد که قرار نیست پیامی از طرف سران اجلاس به ظریف منتقل شود و گفت: «این‌گونه نیست که پیام حامل پیام مشخص و رسمی سران گروه‌۷ برای ایران باشیم.»

اطلاع داشتن یا نداشتن ترامپ از حضور وزیرخارجه ایران هم موضوع دیگری است که درباره آن روایت‌های متفاوتی گفته می‌شود، درحالی‌که این موضوع این‌طور در رسانه‌ها منتشر می‌شد که ترامپ از حضور وزیرخارجه ایران خبر نداشته است، اما خود اظهار می‌کرد که با سفر ظریف موافق بوده اما معتقد بود هنوز برای دیدار با ظریف زود است. بعد از این امر بی‌عی، سخنگوی وقت دولت گفت این سفر تنها برای ملاقات با مکرون بوده و تمایلی هم برای ملاقات با هیچ مقام آمریکا‌یی وجود نداشته است. در میان تایید و تکذیب‌ها اما به نظر می‌رسد انگیزه برای دیدار مستقیم میان ظریف و ترامپ وجود داشته اما این موضوع از جانب دو طرف و به دلایل مختلف چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. ظریف البته مقصر شکل‌نگرفتن این گفت‌وگوها را پمپئو معرفی کرده و می‌گوید: «ما حرکت‌هایی کردیم حتی از جانب پوتین و این آقای پمپئو بود که به هم زد، خود ترامپ آمادگی داشت بپذیرد... مثلث پوتین، پمپئو، نتانیاهو، در واقع خودشان را کشند که ترامپ را منصرف کنند با من ملاقات بکند.» با در نظرگرفتن صحت تمام ادعاها چند نکته نیز در این میان مورد توجه قرار دارد و این سوال پیش می‌آید که نگاه تیم دیپلماسی ما در آن برهه زمانی این بود که قرار است با شکل‌گیری دیداری مستقیم میان وزیر خارجه ایران و رئیس‌جمهور آمریکا، مواضع قابل توجهی رفع‌شود و دیدار مستقیم با او گام مؤثری در احیای برجام به همراه خواهد داشت یا تنها آزرده آن در منتشر شدن خبر این دیدار در رسانه‌های داخلی و بین‌المللی خواهد بود؟ به نظر می‌رسد در این مورد و با توجه به بی‌اعتمادی به وجودآمده برای تعهد رئیس‌جمهور آمریکا به آنچه مورد بررسی قرار می‌گرفت، اینجا نیز نوعی ساده‌انگاری نسبت به سیاست خارجی آمریکا درقبال ایران وجود دارد و ظریف تلاش می‌کند، اتفاق نیفتادن دیدارها و مذاکرات میان ایران و آمریکا را حتی از روی دوش ترامپ بردارد و به گردن پمپئو، وزیرخارجه وقت آمریکا بیندازد و استراتژی سیاسی آمریکا مقابل ایران را به رویکرد اشخاص تقلیل دهد.

مجمع عمومی سازمان ملل، مهر ۹۸

مهر ۹۸ حسن روحانی برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل، راهی نیویورک شد و در بخشی از سخنرانی خود گفت: «اگر نسبت به اسم برجام حساسیت دارید، به رسم آن بازگردید... تحریم‌ها را متوقف کنید تا راه گفت‌وگو باز شود.» اگرچه پیش از این هرگونه دیدار احتمالی میان روحانی و ترامپ تکذیب می‌شد اما به نظر می‌رسد برنامه‌ای برای شکل‌گیری دیدار میان روحانی و ترامپ وجود داشت. واسطه شکل‌گیری این دیدار رئیس‌جمهور فرانسه بود که همواره در این مدت تلاش می‌کرد نقش میانجی برای احیای توافق را داشته باشد، به دنبال رابرتی برای برگزاری دیداری میان رئیس‌جمهور ایران و آمریکا بود، تمایل برای دیدار دوجانبه میان ترامپ و روحانی را نیز می‌توان در قالب سیاست خارجی دولت روحانی براین اساس تحلیل کرد که احتمالاً این دیدارها خود به تنهایی به حل مساله کمک خواهند کرد. اگرچه جلسه‌ای میان دو رئیس‌جمهور شکل نمی‌گیرد اما در این ماجرا هم روایت‌های متفاوتی از علت شکل‌نگرفتن این دیدار ذکر می‌شود.

روحانی در این باره می‌گوید: «طرف آمریکا‌یی‌ها این می‌کرد که ترامپ بی‌صبرانه علاقه‌مند به دیدار است... ترامپ اصرار داشت که او باید خبر دیدار را اعلام کند و بعد دیدار انجام شود. برای من روشن بود که ترامپ بازیگر است. او آدم عادی نبود... ما می‌گفتیم که اول دیدار انجام گیرد و بعد خیرش منتشر شود و خلاصه کار به جایی رسید که گفتند دیدار انجام و وسط جلسه خیرش هم اعلام شود. اما پیش از جلسه بازم تیم ما به گفت‌وگو و مشورت مشغول شدند و در نهایت به جمع بندی رسیدیم که با ترامپ امکان گفت‌وگوی برابر و صادقانه وجود ندارد... اگر جای ترامپ، اواما رئیس‌جمهور بود قطعاً به آن جلسه می‌رفتم.» مایک پمپئو اما روایت دیگری از لغو جلسه دارد و معتقد است برخورد ترامپ باعث شده تا جلسه لغو شود و ماجرا را این‌طور توضیح می‌دهد: «مکرون قبل از نشست مجمع عمومی با رئیس‌جمهور تماس گرفت و مدعی شد که دیدار با روحانی امکان‌پذیر است، مشروط بر اینکه رئیس‌جمهور ترامپ ابتدا خواسته روحانی مبنی بر امضای یک سند خاص را برآورده کند. یادم هست که رئیس‌جمهور گفت، هرگز پای چنین چیزی را امضا نخواهد کرد. مکرون گفت اگر امضایی در کار نباشد، دیداری هم در کار نخواهد بود...

مکرون که هنوز مستاصل بود گفت به سراغ ایرانی‌ها می‌رود و از آنها می‌پرسد، آیا حاضرین بدون اینکه رئیس‌جمهور (ترامپ) پای آنچه در تکه‌کاغذشان نوشته بود را امضا کند، با ترامپ دیدار کنند یا نه. این حرف مکرون رئیس‌جمهور را عصبانی کرد: «اس است دیگر به من زنگ نزن و التماس نکن...» بر این مبنا به نظر می‌رسد به خاطر اینکه ترامپ حاضر نشده پای سندی خاص را امضا کند این دیدار اتفاق نیفتاده است. حسن روحانی اما می‌گوید به خاطر عدم اعتماد به ترامپ تصمیم می‌گیرد با او دیدار نکند. اینجا در این ماجرا نیز چند نکته مورد توجه قرار دارد، در یک سمت ماجرا، همچنان این نگاه وجود داشت که قرار است دیدار با ترامپ، مشکلی از بن‌بست‌های موجود در ماجرای برجام را رفع کند و روحانی البته در روایت خود به این موضوع اشاره می‌کند که علت اتفاق نیفتادن دیدارش با ترامپ تصمیمی بوده که در مشورت با اعضای تیمش آن را گرفته است و به نظر می‌رسد در این میان محدودیتی برای مذاکرات مستقیم وجود نداشته است، البته درحالی سایت منسوب به حسن روحانی تلاش می‌کند این‌طور القا کند که این دیدار به خاطر عدم اعتماد طرف ایرانی اتفاق نیفتاده که ابراز تمایلات از طرف ایران هم برای مذاکرات مستقیم با واسطه‌گری مکرون وجود داشته است اما همچنان این نقد به نگاه دولت تدبیر و امید در سیاست خارجی وارد است که نحوه عملکرد و رفتار سیاسی در آمریکا را همچنان منحصن به اشخاص می‌داند و سعی می‌کند با مطرح کردن این موضوع که «ترامپ مایل به مذاکره بود، پمپئو نگذاشت»، یا «اگر اواما بود حتما مذاکره می‌کردم» برای معادلات پیچیده موجود بعد از خروج ترامپ از برجام را به‌راحتی نسخه‌پیچی کرده‌آن را با تغییر افراد و سیاستمداران حل شده بداندند.

تفکر ساده‌لوحانه در سیاست خارجی یا نگاه واقع‌بینانه به رفتار ترامپ؟

ابوالفضل ظهوروند، کارشناس مسائل بین‌الملل درباره اظهاراتی که اخیرا سایت منسوب به حسن روحانی درباره دیدار روحانی و ترامپ منتشر کرده، در گفت‌وگویی که با ما داشت، ضمن بیان اینکه مواضع و اظهاراتی که این روزها بیان می‌شود، نشان دهنده عمق تفکر سیاسی تیم روحانی درسیاست خارجی است، گفت: «این بیانگر نگاه غیرعلمی و غیرکارشناسی آنهاست، نمی‌دانند که ما الان دو سیستم هستیم که روبه‌روی هم قرار داریم و چالشی که الان داریم، قائم به افراد نیست، بلکه برخاسته از نوع رویکرد و جهت‌گیری‌های کلر است و تعارض اصطلاحاً یک تعارض جوهری است و مسائل اگر با یک دیدار حل می‌شود چه ایرادی دارد، ما هم برویم دیدار کنیم. اما قابل حل نبود. طرف مقابل ما رئالیست است و با واقع‌گرایی و پرابایی یک تصمیم نظام سیاسی آنجا وارد عمل می‌شود، این نیست که اگر ترامپ باشد آقای بایدن، قضیه تغییر می‌کند. کمالینکه مواضع آمریکا در مورد چین چه در دوران ترامپ چه بایدن، یک موضع است، فقط نوع تاکتیک و نوع تصمیم فرق می‌کند، لذا این تفکر ساده‌لوحانه بود که کشور را به این ورطه انداخت و منابع کشور را از بین بردند. در فرانسه اگر به آن مقطع نگاه کنید، ترامپ از برجام خارج شده بود، بحثش این بود که من آماده هستم که توافق جامعی با ایران امضا کنم، یعنی همان چیزی که در دوره آقای اواما، مساله را به صورت فرآیندی جلو می‌بردند.»

این کارشناس بین‌الملل به این موضوع اشاره می‌کند که ترامپ آماده مذاکره بود، اما می‌خواست توافقی جامع با ایران امضا کنند و ادامه می‌دهد: «مکرون اصرار داشت که ظریف با ترامپ بنشیند. ترامپ هم شرط گذاشته بود که اگر می‌آیند برای توافق جامع بایند، چون من دیگر از برجام خارج شدم و برجام برای ما آورده‌ای ندارد. الان هم این موضوع اثبات شده است، آمریکا‌یی‌ها دیگر تمایلی به برجام هسته‌ای

ندارند. مذاکراتی که اخیرا تحت عنوان توافقات سپتامبر در جریان بود که در بحث اغتشاشات، باز آمریکا‌یی‌ها زیرمیز زدند هم جزو همان ملاحظاتی است که آمریکا‌یی‌ها دارند و باید بیرون از مساله برجام، تسهیل‌کننده دور جدیدی از مذاکرات باشد.» امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا درباره اینکه اگر مذاکراتی شکل می‌گرفت برای مانتابیجی به همراه خواهد داشت، گفت: «اینکه دونالد ترامپ مایل بود با مقامات ما دیدار کند، موضوع غیرقابل‌کنشایی نیست، چه دیدار با هم‌تراز خود که روحانی بوده چه با ظریف. اما بر مبنای خاطرات جان بولتون، ترامپ آماده دیدار با ظریف در حاشیه بیاریتز، بوده است... نمی‌دانم آن موقع ظریف مایل به مذاکره بوده، دستور کار داشته یا نه. از طرف ایرانی اطلاعات دقیقی ندارم، چون حداقل روایتش به اندازه روایت آمریکا‌یی‌ها علناً اعلام نشده است، اما ترامپ خیلی علاقه داشت و حتی شماره تلفن دفترش در کلخ سفید را هم داد و گفت به من زنگ بزنید. بنابراین از طرف آمریکا‌یی‌ اشتیاق برای هرگونه تماسی وجود داشته است. روایتی که دفتر آقای روحانی مطرح می‌کند، خودش، تیمش، مشاورانش به این موضوع می‌رسند که دیداری منتج به نتیجه می‌شود که در نهایت منجر به رفع تحریم‌شود. رئیس‌جمهور وقت ایران، آمادگی را داشته ولی به این نتیجه می‌رسند که طرف آمریکا‌یی صرفاً به عکس و نمایش و خوش‌ویش و دست دادن کفایت می‌کند، ضمن اینکه تجربه دیدارهای ترامپ با رهبر کره شمالی هم این پیام را به تهرآن معیاره کرده بود که چنین دیدارهایی صرفاً نمایش است. حالا اینکه حسن روحانی می‌گویند که من حاضر بودم، قربانی بشوم، خودش باید توضیح بدهد ولی حداقل ما سابقه‌ای داریم و اولین تماس تلفنی روسای‌جمهور ایران و آمریکا توسط روحانی اتفاق افتاد، اما نمی‌دانم روحانی پیش قدم شد یا اواما تماس بگیرد یا اواما پیش قدم شد ولی هرچه بود با هم صحبت کردند، اگر نسبت به ترامپ هم این اطمینان وجود داشت، روحانی حتما این کار را انجام می‌داد، ولی مشکل این بود که طرف آمریکا‌یی با نیت حل مشکل جلو نیامده بود و می‌خواست، صرفاً عکس و تماسی باشد و تحریم‌ها سر جای خود باشد.»

ابوالفتح البته به این موضوع اشاره می‌کند که پیش از تماس تلفنی روحانی با اواما، مکاتبات و توافقات تاحدی پیش‌رفته بود اما در دوران ترامپ این اتفاق نیفتاده بود و می‌گوید: «من هم معتقدم که صرف دیدار ترامپ با روحانی یا دیدار ظریف با ترامپ، گره‌ای از مشکلات ایران باز نمی‌شد، به همین دلیل این اتفاق نیفتاد، در آن زمان تحلیلی مبنی بر اطلاعات درست وجود داشت که از دیدار با ترامپ چیزی حاصل نمی‌شود برای همین این اتفاق نیفتاد. کاراکتر اواما و ترامپ را متفاوت می‌دانیم، نگاه دموکرات‌ها و جمهوری خواه‌ها را هم متفاوت می‌دانیم، البته راهبرد کلان ایالات متحده چه دموکرات، چه جمهوری خواه‌غیر نمی‌کند، ولی مسیر رسیدن به توافق در دولت اواما راحت‌تر بود تا ترامپ، ما الان با بایدن هم این مشکل را داریم، اما آمریکا‌یی‌ها به این نتیجه رسیدند که باید با ایران به توافق برسند. تجربه کره شمالی برای ایران حائز توجه بود که اگر دیدارهای سه‌گانه ترامپ با رهبرکره شمالی منجر به نتیجه می‌شد، ایران ترغیب می‌شد آن راه را پیش بگیرد ولی این اتفاق نیفتاد.»

ساده‌انگاری، عامل اصلی

شکست سیاست خارجی دولت روحانی

اگرچه سیاست خارجی دولت روحانی و آنچه درطول هشت‌سال ریاست جمهوری از جانب ظریف و حسن روحانی در عرصه بین‌الملل اتفاق افتاد، خود نیاز به بررسی جدی دارد و کارشناسان هم به نقد رویکردها پرداخته‌اند اما در نگاهی به روایت و تعریف و تحلیل آنچه بعد از خروج برجام و برای خروج این توافق از بن‌بست اتفاق افتاد، می‌توان این نکته را مورد اشاره قرارداد که جو و شرایط بین‌المللی و حتی داخلی نسبت به احیای مذاکرات برجام چندان مثبت نبود و در این امر نیز مشخص بود که پیگیری مذاکرات زیان‌های بیشتری را متوجه ایران خواهد کرد و مذاکره با فردی که از برجام خارج شد تا دستاوردهای بیشتری از مذاکرات مجدد دریافت کند، ایران را در موضع ضعف قرار می‌داد. آنچه در اینجا قربانی می‌شد نه افراد، بلکه منافع ملی ایران بودند. از طرف دیگر این امر مورد توجه قرار دارد که اگرچه ایران در زمان اواما توافق برجام را امضا کرد اما در واقعیت اواما همان اقدامی را انجام داد که ترامپ آن را علنی اجرا کرد و برخوردار نشدن ایران از توافق برجام از زمان اواما شروع شد. با این نگاه می‌توان تحلیل اتفاقات و شرایط آن روز با این توجهی که افراد حتی حاضر بودند خود را قربانی کنند تا توافق به نتیجه برسد، چندان قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد. تقلیل ماجرای توافق و رفع تحریم‌ها به دیدار مستقیم با ترامپ راهم می‌توان نوعی ساده‌انگاری در سیاست خارجی دولت روحانی و برنامه ریزی صرفاً بر مبنای موضع سیاستمداران آمریکا‌یی بدون در نظرگرفتن سیاست کلان آمریکا دانست؛ امری که البته به نظر می‌رسد علت شکست برنامه ریزی‌های سیاست خارجی دولت روحانی در دوره ریاست جمهوری‌اش هم ناشی از همین ساده‌سازی مسائل و اتفاقات پیچیده بود.

فرهنگ‌نخبگان

روز

یکشنبه ۱۶ مهر ۱۴۰۲

شماره ۳۹۷۵

www.fdn.ir

FARHIKHTEGANDAILY

۷